

ادامه از صفحه اول

آمریکا کودتای ۳۲ و ترامپ سال ۹۸

پادشاه که در سایه همین کودتا به سلطنت بازگشته بود، چنان در تصویب قرارداد کنسرسیوم عجله داشت که اعلام کرد باید این قرارداد فوری در مجلسین تصویب شود. مخالفان قرارداد در مجلس شورا و سنا معدود بودند، ولی با مخالفت‌های مستدل خود با قرارداد، رنج پیامد این مخالفت را بر تنگ پذیرش آن ترجیح دادند. «محمد درخشش»، نماینده مجلس و رهبر جامعه معلمان، با نطق هفت‌ساعته خود در مجلس کودتا و روشن‌کردن ابعاد چپاول ثروت ملی و سناتور علی دیوان‌بیگی مخالفان این قرارداد بودند. دکتر مصدق گفته بود: «اینها دین خود را به ملت و وطن خویش ادا کردند.» در کشور ما سیاست‌بازان به مخالفان سیاسی خود مانند افراد غیرهم‌کیش نگاه می‌کنند. اگر مخالفان کار نیکی انجام داده باشند، آن را ارج نمی‌نهند. مصدق با سیاست موازنه منفی از دادن امتیاز خودداری کرد. شوروی با وجود مخالفت با آمریکا، نهم‌تھا کمکی به دولت ملّی نکرد، بلکه این دولت را نماینده طبقه اشراف و سرمایه‌داری و حافظ منافع آمریکا معرفی کرد و از استرداد ۱۱/۱۳۶ کیلو طلای که به ایران به‌دکار بود، خودداری کرد.

طرفه آنکه به‌جای استرداد آن در زمان دولت ملی و کمک به اقتصاد تضعیف‌شده ایران، در دولت کودتا بر استرداد آن توافق و در دولت علاء آن را تحویل دادند. عدم استرداد طلاها همچنان پرمناقشه است که حامیان دکتر مصدق و مخالفان شوروی مطرح می‌کردند. موافقان سیاست شوروی و رهبران حزب توده با آن انکار می‌کردند یا گفته می‌شد میزان طلاها به اندازه‌ای نبوده که دولت ایران بتواند با آن پول ملی (ریال) و خزانه خالی دولت را تقویت کند. درحالی‌که دریافت این میزان طلا می‌توانست پشوتانه بزرگی برای پول ملی باشد و با توثیق آن وام بگیرد. بهای این میزان طلا با قیمت امروز حدود ۵۴۴ میلیون دلار بوده و کل در آمدی که شرکت نفت انگلیس به ایران پرداخت می‌کرد، سالانه به ۲۵۰ میلیون دلار هم نمی‌رسید. اما امروز چه کاری باید کرد که در عین حفظ منافع ملی، برای ایران کمترین هزینه خارجی ایجاد شود؟ نخستین سؤال این است: آیا شرایط فعلی مشابه شرایط همان دوره کودتاست؟ در سال ۲۳ و اکنون بعد از چهار دهه از انقلاب اسلامی، یک دولت خارجی که سال‌ها به ثروت ملی ایران دست‌درازی کرده و منافع کلانی در کشور داشته و ارکان قدری سیاسی و نظامی و اطلاعاتی و مالی کشور را تحت سلطه داشت، از این امکانات محروم شده است. پس این قدرت مانند دوران کودتا با بسیج تمام نیروهایش، ایران را از مهم‌ترین منبع درآمد یعنی فروش نفت محروم کرده و می‌خواهد خزانه ملی کشور را هدف قرار دهد تا ایران را دچار مشکلات مالی و پولی کند. این همان راهی بود که انگلیس در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ در پیش گرفت و آمریکا آن را تکمیل کرد.

از دو سال پیش از کودتا، صدور نفت ایران به‌طور کامل قطع و ایران از بزرگ‌ترین منبع درآمد خود محروم شد، رهبر نهضت ملی‌شدن نفت با هدف ایجاد صندوق متحد در برابر «سیاست خارجی» و دربار در سخنرانی‌های رادیویی همس ملت ایران را با عناوین «هم‌وطنان عزیز» و «خواهران و برادران ایرانی» مخاطب قرار می‌داد. دولت که اعضای آن در زمره اشخاص پاکدست و دوستدار وطن بودند و خود و نزدیکانشان از آلودگی به فساد مالی میرا بودند، سیاست قناعت و صرفه‌جویی در هزینه‌ها را مطرح کرد. به‌جای درازکردن دست به‌سوی بیگانگان، اقدام به انتشار اوراق قرضه کرد و از ملت کمک خواست. این سیاست با استقبال مردم مواجه شد. غیر از تجار و بخش خصوصی بی‌رق آن زمان کارمندان نیز در حد توان خود از این اقدام دولت استقبال کردند.

این اتکا به مردم امروز نیز می‌تواند در بازآرندگی

ملی در برابر دشمن، مؤثر باشد با این شرط که هرکسی

سازی نزند.

بدیهی است شرایط کشور، امروز قابل‌مقایسه با آن زمان نیست و ایران اکنون به یک قدرت بزرگ در منطقه تبدیل شده است. در آن زمان بودجه کوچک ایران به اندازه امروز به نفت وابسته نبود و دولت توانست این عدم وابستگی به نفت را ۳۰ ماه تحمل کند. هرچند کشور از لحاظ اقتصادی در آن زمان نیز به خارج وابسته بود ولی این وابستگی به اندازه امروز به‌ویژه در زمینه واردات مواد اولیه نبود. این نیاز به حدی است که بدون درآمد نفت عبور از آن مشکل است. اگر سیاست کشور بر تحکیم وحدت ملی باشد و از لحاظ خارجی سیاستی مستقل در پیش گیریم، چون سال‌های جنگ، دولت می‌تواند تا حدود زیادی از اتکا به خارج و واردات رهایی یافته و حتی اقتصادی کنونی را رونق دهد. سیاست کمربندهای بسته و صرفه‌جویی باید به صورتی سامان یابد که دست دولت در زمینه واردات بسته نشود. برای رونق تولید داخلی باید به‌جای نفت کالاهای دیگری می‌صادر شود. دولت که متولی این امر است، زمانی می‌تواند به این مهم دسترسی پیدا کند که تیم اقتصادی دولت همراه با شرایط فعلی تغییر یابد.

در سیاست‌های مالی و پولی دولت و تیم مسئول، اصلاح ساختاری در عمل و هم در روش‌ها، صورت گیرد با فروش املاک و اموال زاید دولت برای تأمین بخشی از کسری اعتبارات عمرانی استان‌های محروم و کم‌ترتوسعه‌یافته هم امر عمران و توسعه فراموش نمی‌شود و هم اشتغال‌زایی می‌شود.

ادامه در صفحه ۴

politics@sharghdaily.ir

توسلی: توده‌ای‌ها و عوامل وابسته به انگلستان زمینه کودتا را فراهم کردند



محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی ایران باور دارد که نپذیرفتن حمایت حزب توده یکی از مهم‌ترین و ارزنده‌ترین تصمیمات دکتر مصدق بود که از شناخت بالای او نسبت به این حزب نشئت می‌گرفت. او در تشریح نظر خود به «شرق» گفت: «دکتر مصدق در تمام سال‌های مسئولیت خود به خوبی با سوابق حزب توده آشنا بود. او با نگاه ملی خود هرگز نمی‌توانست با حزبی وابسته به شوروی هماهنگ باشد و در مسیر منافع اعضای آن گام بردارد؛ به‌خصوص آنکه حزب توده همواره در مسیر حرکت دکتر مصدق و همراهانش مانع ایجاد می‌کرد و در تعارض منافع ملی و منافع شوروی بدون استثنا منافع روس‌ها را برمی‌گزید. به گواه اسنادی که در تمام سال‌های پس از کودتا منتشر شده است، خطرربط‌های حزب توده به انگلستان و شوروی می‌رسید و دکتر مصدق نیز این موضوع را نیک می‌دانست. توده‌ای‌ها در ایام کودتا یعنی زمانی که شاه به خارج از کشور فرار کرده بود با پایین‌کشیدن مجسمه‌های رضاشاه و محمدرضا شاه و طرح شعارهای تند از جمله «ز جنبش توده‌ای شاه فراری شده» سعی می‌کردند فضای کلی را به‌شدت رادیکال کنند و جامعه مذهبی ایران در چنان شرایطی تصور می‌کرد قرار است مملکت به دست حزب توده و به تبع آن شوروی بیفتد. در حقیقت علاوه بر آنکه مرحوم دکتر مصدق با دانستن سوابق حزب توده همراهی توده‌ای‌ها را نپذیرفت، جامعه نیز تمایلی به آنها نداشتند. برخلاف آنچه طرفداران حزب می‌گویند اتفاقا در نگاه کلی حزب توده و عوامل وابسته به انگلستان(توده‌نفتی‌ها) یکی از عوامل تاثیرگذار در کودتا بودند؛ بنابراین نپذیرفتن حمایت ظاهری حزب توده یکی از مهم‌ترین تصمیمات ارزنده مرحوم دکتر مصدق است.»

مجلسی: آمریکا مانع حضور نیروهای حزب توده در ۲۸ مرداد شد



فریدون مجلسی دیپلمات پیشین ایران و پژوهشگر مسائل تاریخی معتقد است که نیروهای حزب توده نه به درخواست مصدق که به تهدید آمریکا که حمله نظامی آمریکا به کودتا در روز کودتا در خیابان‌ها نبودند. او در پاسخ به پرسش «شرق» گفت: «یک سال پیش از کودتای ۲۸ مرداد نظامیان تصفیه‌شده توسط دکتر مصدق، طرح کودتا را ریخته بودند و حتی در ابتدا طرفداران نیز اقدامشان را کودتا می‌نامیدند تا بعد از برگزاری و فرانسدم که تلاش کردند فرمان عزل اخذ کنند و به تصمیمات خود وجه قانونی ببخشند اما درباره اینکه آیا امکان جلوگیری از کودتا وجود داشت یا خیر، باید

● عده‌ای از دانشجویان دانشگاه‌های مختلف اعم از صنعتی، پلی‌تکنیک، تهران و بسیاری از دانشگاه‌های معروف در قالب اقدام‌های اسلامی ایدهای را طراحی کردند که در روز ۱۳ آبان سفارت آمریکا را اشغال کنند. در این ماجرا تنها دانشگاهی که همراهی نکرد دانشگاه علم و صنعت بود که آقای احمدی‌نژاد در انجمن اسلامی آن دانشگاه بود زیرا آنها بر این باور بودند که باید از سفارت شوروی شروع کنیم. البته آقای عزت‌الله ضرغامی هم با اینکه جزء به‌چه‌های پلی‌تکنیک بود، مخالف این حرکت بود، او می‌گفت این کار درست نیست و حاضر به شرکت در ماجرای اشغال سفارت ننند.

● طبق برنامه‌ریزی قبلی صبح روز ۱۳ آبان همه دانشجویان به دانشگاه پلی‌تکنیک آمده بودند، دانشگاه پلی‌تکنیک معروف در قسمت بالای آن محوطه بزرگی بود که همه دانشجویان آنجا تجمع کرده بودند و توضیحاتی از سوی اعضای شورای مرکزی دانشگاه‌های مختلف شامل آقای میردامادی از پلی‌تکنیک، آقای سیف از صنعتی شریف و بیطرف از دانشگاه تهران و... به دانشجویان ارائه می‌شد با این مضمون که برای اشغال سفارت از خیابان طالقانی حرکت و به سمت سفارت می‌رویم. به آنجا که رسیدیم از دیوار بالا می‌رویم، قفل و زنجیر سفارت را با قفل‌شکن می‌شکنیم، وارد سفارت می‌شویم، احتمالا به دلیل مقاومت‌ها درگیری‌هایی می‌شود زیرا تفنگداران دریایی آنجا مستقر هستند که احتمالا شلیک و تیراندازی می‌کنند، یک‌عده‌ای از به‌چه‌ها شهید می‌شوند و ما شهدا را در دست برمی‌داریم و می‌گوییم این سند جنایت آمریکاست و از سفارت بیرون می‌آییم و تمام.»

● اصلا بنا نبود دانشجویان در سفارت بمانند چون این ذهنیت در دانشجویان وجود داشت که «ما با دست خالی در مقابل تفنگداران آمریکایی کاری از پیش نخواهیم برد ضمن اینکه سفارت بخشی از خاک آمریکاست و امکان ورود به آن وجود ندارد»، این تمام برنامه و طراحی دانشجویان برای اشغال سفارت آمریکا بود.

● روزی آقای محمد هاشمی همسر دکتر اکبر ابتکار که البته در

سیاست

در گفت وگو با محمد توسلی، فریدون مجلسی، موسی حقانی و امیر مکی مطرح شد

چرا مصدق دست رد بر سینه حزب توده زد؟



مهرشاد ایمانی: کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ بعد از گذشت چند دهه هنوز محل بحث‌های متفاوت است. شاید یکی از مهم‌ترین موضوعات این باشد که چرا دکتر مصدق برای مقابله با کودتا از پذیرش حمایت حزب توده امتناع کرد؟ یا اصلا حزب توده توانایی مقابله با کودتا را داشت یا خیر؟ از سوی دیگر با فرض اینکه مصدق حمایت توده‌ای را می‌پذیرفت و آنها می‌توانستند مانع کودتا شوند، سرنوشت مصدق و دولتش چه می‌شد؟
مهم‌ترین پرسش اینکه آیا با قدرت‌گیری حزب توده سرنوشت کشور ایران به دست شوروی می‌افتاد؟
محمد توسلی، فریدون مجلسی، موسی حقانی و امیر مکی به این پرسش‌های «شرق» پاسخ دادند که دیدگاه‌های متفاوت آنها را در ادامه می‌خوانید.

حقانی: مصدق راه انفعالی را در پیش گرفت



موسسی حقانی، رئیس پژوهشگده تاریخ معاصر، باور دارد که مصدق نتوانست در برابر دولت‌های غربی انقلابی عمل کند و منفعلانه‌ترین راه را در پیش گرفت. او دراین‌باره به «شرق» گفت: «روش و دیدگاه دکتر مصدق درباره حل مسئله نفت به بن‌بست رسیده بود؛ از این‌رو اساسا به‌دنبال جذب حمایت‌های نیروهای مختلف اعم از حزب توده و دیگر گروه‌ها نبود. دکتر مصدق از فروردین سال ۳۲ اطلاع داشت که تدارکاتی برای انجام کودتا در نظر گرفته شده است و حتی دکتر صدیقی، وزیر کشور دکتر مصدق، در خرداد همان سال در یک سخنرانی در کرج گفت که دست‌هایی به دنبال کودتا هستند. حتی در ۲۷مرداد، یعنی یک روز قبل از کودتا، مصدق در پاسخ به تعدادی از خبرنگاران و اعضی‌ای حزب ایران یک جعبه کر تعارف می‌کند و می‌گوید که بفرمایید و با این حرف‌ها کلمات را تلخ نکنید. به گفته مریم فیروز هم کیانوری مصدق را از وقوع کودتا آگاه کرده بود. سؤال این است که چرا مصدق با دانستن تمامی این موارد هیچ اقدامی برای رفع کودتا نکرد؟ زسرا سیاست‌هایش در موضوع ملی‌شدن نفت به بن‌بست رسیده بود. او از یک‌سو نمی‌خواست زیر بار قرداد با غربی‌ها برود، زیرا می‌دانست آن قرارداد با روح ملی‌شدن صنعت نفت مغایر است و نوعی دهن‌کری را به مردم محسوب می‌شود و از سوی دیگر توان انقلابی رفتارکردن را نداشت؛ یعنی نمی‌توانست در مقابل

انگلستان و آمریکا همه‌جانبه بایستد. به هر حال ملی‌شدن صنعت نفت یک رخداد بسیار بزرگ بود که می‌توانست بر کشورهای دیگر هم تأثیر بگذارد؛ منتها دکتر مصدق توانایی هدایت چنین حرکت بزرگی را نداشت و منفعلانه‌ترین راه را انتخاب کرد. به نظر من مصدق از زمان استعفایش دیگر نمی‌خواست راه مبارزه را ادامه دهد و تمایل داشت که کناره بگیرد اما با اقدامات مردم و آیت‌الله کاشانی دوباره به قدرت بازگشت که ای‌کاش برنمی‌گشت زیرا دست‌کم تکلیف مردم در مواجهه با کشورهای غربی معلوم می‌شد. مصدق اگر در روز ۲۸مرداد یک پیام رادیویی می‌داد و از مردم تقاضا می‌کرد که به خیابان‌ها بیایند شاید کودتا رخ نمی‌داد اما مصدق حتی این اقدام را نیز برای مقابله با کودتا انجام نداد و به‌راحتی تسلیم کودتاگران شد. نکته مهم دیگر این بود که دکتر مصدق اعتماد زیادی به آمریکایی‌ها داشت و از این جانب ضربه بسیاری خورد.»

مکی: اگر مصدق حمایت حزب توده را می‌پذیرفت کشور به دست شوروی نمی‌افتاد



امیر مکی، پژوهشگر مسائل تاریخی و از بستگان حسین مکی، نپذیرفتن حمایت حزب توده را ناشی از غرور مصدق می‌داند. او دراین‌باره به «شرق» گفت: «نقش حزب توده در ۳۰ تیر و ۲۵مرداد انکارنشدنی است. نیروهای حزب توده پس از کودتای نافرجام ۲۵مرداد توانستند مجسمه‌های رضاشاه و محمدرضا شاه را پایین بکشند اما در چنان فضایی دکتر مصدق در دیدار با هندرسون تلفن را برداشت و به شهروانی زنگ زد که خیابان‌ها را آرام کنید و همین مسئله باعث شد که کودتاگران نتوانند تصمیم خود را اجرایی کنند. اگر دکتر مصدق چنین رویکردی را اتخاذ نمی‌کرد و از مردم درخواست می‌کرد که به خیابان‌ها بیایند ممکن بود که کودتا رخ ندهد. حزب توده نیز جدای از مردم نبود و اگر یک تقاضای عمومی صادر می‌شد احاد مردم، از جمله نیروهای حزب توده، در خیابان‌ها حاضر می‌شدند. من باور دارم که اگر مصدق حمایت حزب توده را می‌پذیرفت کشور به دست شوروی‌ها نمی‌افتاد زیرا روحانیت و عموم مردم اجازه چنین امری را نمی‌دادند؛ از سوی دیگر سیستم ایران در آن زمان سلطنت مشروطه بود و حتی اگر پهلوی هم سقوط می‌کرد، سیستم جمهوری روی کار می‌آمد. به‌زعم من علت آنکه مصدق دست رد به سینه حزب توده زد این بود که در اواخر کار خود به‌شدت دارای سوءنظن شده بود؛ دیگر آنکه غرور مصدق هم اجازه نمی‌داد که درخواست حمایت کند.»

در مجموع کودتای ۲۸مرداد اگر رخ نمی‌داد شاید منشأ تحولات مثبتی در ایران می‌شد که با دخالت‌های انگلیس و حمایت آمریکا این مهم محقق نشد. دکتر مصدق نیز در مواجهه با کودتاگران تمایل داشت که در معرض اتهام وابستگی به نیروهای چپ قرار نگیرد اما در اینکه اگر حمایت حزب توده و مردم را می‌پذیرفت کودتا رخ می‌داد یا خیر، محل بحث است.

دانشجویان با گروگان‌ها تخته‌نرد بازی می‌کردند و شریعتی می‌خواندند

کار من و آقای حاج‌میری است، تمام ظرفیت تصویری لحظه اشغال سفارت آمریکا همه در اختیار ما بود اما متأسفانه با یک اشتباه همه را در اختیار صداسوسی‌های وقت قرار دادیم. فکر کنید با فیلم‌ها چقدر ارزشمند است اما ما آن زمان اصلا به این موضوع فکر نمی‌کردیم. تمام فیلم و عکس‌ها از لحظه ورود دانشجویها به سفارت در اختیار ما بود که اگر می‌خواستیم به هر شبکه‌ای بفروشیم با هر قیمتی از ما می‌خریدند چون منحصربه‌فرد بودند.

● در مدت زمان یک‌ماهه‌ای که در سفارت بودم موضوعاتی که مشاهده کردم جالب بود؛ اول اینکه در سفارت بسته بود و اجازه ورود به کسی نمی‌دادند، نکته دیگر این بود که تمام مقامات مملکت، گروه‌های سیاسی اعم از چپ و راست، مجاهدین، چریک‌های فدایی، جبهه نجات ملی، جبهه ملی و... همه جلوی در سفارت می‌آمدند و شعار می‌دادند که «دانشجوی خط امام بر تو سلام، بر تو درود»، به اینها اضافه کنید هنروران و بازیگران سینما، بلورفروشان، پرستاران، پزشکان و... هر روز یک صنف به نوبت می‌آمدند و از تفنگداران حمایت می‌کردند. به خاطر دارم از گروه‌های مختلف افراد مختلف می‌آمدند که وارد سفارت شوند و کنار دانشجویان مصاحبه مطبوعاتی کنند اما با ورود برخی موافقت و با برخی دیگر مخالفت می‌کردند. خیلی‌ها که امروز تحلیل‌های متفاوت دارند و با آن مخالفت می‌کنند و این حرکت را زیر سؤال می‌برند احتمالا آن روزها خود از جوانان پرشوری بودند که مقابل سفارت، شعار مرگ بر آمریکا می‌دادند!

● از صحنه‌های جالبی که به یاد دارم این بود که همه گروگان‌ها یک میزبان داشتند یعنی یک دانشجو وظیفه نگهدانی از یک یا چند گروگان را برعهده داشت به طوری‌که برای گروگان‌های خانم نگهبان خانم و برای مردها یک میزبان مرد در نظر گرفته شده بود. فضا هم به شکلی بود که گروگان‌ها در فضای اتاق آزاد بودند و این‌گونه نبود که گروگان‌ها بسته‌بسته باشند بلکه با دانشجوها تخته‌نرد بازی می‌کردند. کتاب‌های دکتر شریعتی را می‌خواندند، مثلا یکی از دانشجویان را به خاطر دارم که برای یکی از گروگان‌ها کتاب دکتر شریعتی را می‌خواند و تحلیل می‌کرد. حتی با هم نقاشی می‌کشیدند و غذا می‌خوردند و در واقع گروگان‌ها و دانشجویان کاملا با هم رفاقت و مهنشینی داشتند. این‌گونه نبود که فضای گروگان و گروگان‌گیری واقعی باشد؛ اگرچه انعکاس بیرونی آن تحت عنوان گروگان‌گیری بود اما در درون و در واقع با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشتند.

خبر

پیام مقام معظم رهبری به سپاه پس از توقیف نفت‌کش انگلیس

● تسنیم: نماینده ولی فقیه در سپاه در نشست روز گذشته خود، جریان ابلاغ پیام شفاهی فرمانده کل قوا به رزمندگان سپاه را روایت کرد. حجت‌الاسلام حاج‌صادقی در نشست خبری دیروز خود در همایش بسیج اساتید حوزه‌های علمیه در مشهد گریزی به تحولات اخیر در منطقه خلیج فارس زد و سرنوگونی پهباد آمریکایی و توقیف نفت‌کش انگلیس توسط سپاه را یک پیروزی بزرگ توصیف کرد. او در ادامه به بیان خاطره‌ای از بازدید اخیرش از منطقه نازعات اشاره کرد و گفت: پیش از اینکه برای بازدید از جزایر خلیج فارس بروم، خدمت مقام معظم رهبری رسیدم و از ایشان خواستم تا رهنمودهایی را درباره این سفر بفرمایند. ایشان فرمودند «سلام من را برسانید و بگویید دستتان درد نکند، کار خیلی بزرگی انجام دادید».

یادداشت

لزوم رصد پرونده‌های افراد کثیرالمراجعه به محاکم قضائی

فیروز نعیم‌محبوبی

● مقابله با قانون‌دانان قانون‌شکن و سفته‌بازها، مصداق بارز مبارزه با مفاسد اقتصادی است و بهترین شیوه شناسایی این متخلفان در تعداد پرونده‌هایی است که در محاکم قضائی علیه یا له آنها تشکیل شده است. عده‌ای از شرایط وخیم مالی برخی از شهروندان سود جسته و با سوءاستفاده از استیصال مالی و ناآگاهی حقوقی آنها، با پرداخت رد در قبال اخذ چک یا سفته یا دریافت وکالت تام‌الاختیار اموال منقول و غیرمنقول و دیگر تضمین‌ها، علاوه بر دریافت بهره‌های سنگین ماهانه، نهایتا چک یا سفته قربانیان خود را ناجوانمردانه به اجرا گذاشته یا با خیانت در امانت، اموال آنها را با وکالت‌های تام‌الاختیاری که صرفا به عنوان تضمین در دست دارند، به نام خود یا اعضای خانواده‌های‌شان منتقل می‌کنند.

متأسفانه هستند بعضی از وکلا که باوجود اطلاع از ماهیت و عملکرد این شایدان، با آنان همکاری کرده و مشاوره‌های لازم را برای دریافت مدارک خاتمان‌رسانداز و بستن تمامی راه‌های قانونی بر قربانیان در اختیارشان می‌گذارند و در صورت شکایت شهروندان، وکالت کلاهبرداران و تحصیل‌کنندگان اموال غیر را به عهده می‌گیرند.

برخی از این افراد ده‌ها پرونده در دستگاه قضا، چه در مقام شاکی و چه در جایگاه متهم دارند. جالب اینجاست که هستند افرادی در این بین که به دلیل داشتن تجربه بسیار در اعمال خلاف عرف و قانون و نیز در خدمت‌داشتن برخی وکلا، باوجود تعدد قابل ملاحظه پرونده‌ها، با افتخار بیان می‌کنند تا کنون حتی یک سابقه محکومیت نیز از محاکم دریافت نداشته‌اند! پیشنهاد می‌شود قوه قضائیه ماهیت، نوع و روند پرونده‌های افرادی را که بیش از دفعات معینی به محاکم قضائی مراجعه می‌کنند یا احضار می‌شوند، رصد کرده و ترتیبی اتخاذ کند تا پرونده‌های این قبیل افراد با توجه به ماهیت کیفری یا حقوقی، حتی‌المقدور در یک یا دو مجتمع قضائی و نیز شعب واحد جمعیت و رسیدگی شود تا آنها نتوانند به مراجعه به مجتمع‌های مختلف یا محاکم شهرستان‌ها، رد یا‌های ماجراجویی‌های خود را از دستگاه قضا پنهان کنند. فراموش نکنیم شهروندانی که قربانیان این افراد می‌شوند و نمی‌توانند حقانیت فی‌الواقع خود را در محاکم اثبات کنند، بعضا با انکار ناخودآگاه مسئولیت تام‌خویش در اعتماد بیجا به کلاهبرداران، نهایتا دستگاه قضا را مسبب تضییع حقوق خود قلمداد می‌کنند. بازگرداندن اموال عمومی و به‌تاراج‌رفته به خزانه و بیت‌المال اولین دلیل برخورد جدی و قاطع دستگاه قضا با چپاولگران و خائنان به حقوق مردم است و قدر مسلم، کسب رضایت و افزایش سطح اطمینان شهروندان به نظام سیاسی کشور دومین علت مقابله با اختلاس و دیگر جرائم پولی و مالی از اموال عمومی است، چنانچه دو علت فوق، یعنی استرداد اموال مردم و کسب رضایت ایشان را مینا قرار دهیم، مقابله با قانون‌دانان قانون‌شکن و سفته‌بازها، مصداق بارز مبارزه با مفاسد اقتصادی است و باید تا آنجاکه در چنین جرائمی اموال مردم به‌گونه‌ای ملموس و بسیار بی‌رحمانه هدف مصادره قرار گرفته و عواقب آن تأثیراتی عمیق و مخرب و غالباً جبران‌ناپذیری بر زندگی ایشان بر جای می‌گذارد، اگر برخورد با رباخواران و وکلایشان به اندازه مقابله با سارقان بیت‌المال اهمیت نداشته‌باشد، آن‌ها کمتر مهم نیست. تجربه موفق رصد دستگاه‌های یوز و کارت‌های بانکی از‌سوی بانک مرکزی و اعمال محدودیت سبقت دریافت و پرداخت از طریق آنها و تأثیر این قوانین ساده در به‌حاقل‌رساندن فعالیت واسطه‌های کلان آرزى و در نتیجه ممکن‌شدن کنترل نرخ دلار و سایر پول‌های خارجى، گواه این مطلب است. قدر مسلم با اعمال نظارت و رصد پرونده‌های افراد کثیرالمراجعه به محاکم و تجمیع پرونده آنها در شعبات خاص، علاوه بر توسعه عدالت‌خواهی و جلوگیری از تضییع حقوق مردم از‌سوی رباخواران و شایدان، این امر به تقلیل نسبی تشکیل پرونده در دستگاه قضا منجر خواهد شد.